



سواد هنری در برنامه درسی

حمید براتی

دانشجو معلم رشته علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، پردیس امام محمدباقر(ع)، بجنورد، ایران

محبوبه سلیمان پورعمران

استادیار گروه علوم تربیتی و مدیریت آموزشی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، بجنورد، ایران

Islamic Azad University, Bojnourd, Bojnourd Branch, of Educational Management, Department
.Iran

m.pouomran@gmail.com

چکیده

امروزه، مقولات هنری در برنامه درسی پنهان نقش قابل توجه در آموزش رسمی مدارس دنیا ایفا می‌کند. بر این اساس، مقاله حاضر بر آن است تا جایگاه هنر و سواد هنری در برنامه درسی و میزان اهمیت این موضوع را بررسی نماید.

موضوع این تحقیق "سواد هنری در برنامه درسی" می باشد که هدف اساسی از انتخاب موضوع و انجام تحقیق در زمینه سواد هنری در برنامه درسی، جایگاه هنر در برنامه درسی و میزان اهمیت دادن به این درس می باشد. در این پژوهش از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است. بدین منظور کتاب‌ها، مجلات، مقالات و سایت‌های مرتبط با موضوع سواد هنری مورد بررسی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که به هنر نباید به دید یک درس جداگانه نگریست. باید آن را به عنوان اصلی‌ترین شیوه موثر در تربیت و آموزش دانست. نتایج حاکی از آن است که در برنامه های درسی اگر هنر به صورت جدا آموزش داده شود، دانش آموزان فقط می توانند کارهای هنری مطلوبتری ارائه دهند. اما ابعاد دیگر هنر در امر آموزش در چنین شرایطی نادیده گرفته می شود. آموزش اجتماعی، فرهنگی و درسی دانش آموزان با استفاده از هنر به گونه ای گیراتر و تاثیر پذیرتر می گردد به همین دلیل برنامه ریزان و طراحان درسی باید به دنبال برنامه هایی برای پیشبرد و توسعه داشته باشند. برنامه هایی که آموزش را جذاب، لذت بخش و تاثیر گذارتر سازد.



کلمات کلیدی: برنامه درسی ، تربیت هنری ، سواد

مقدمه

از آنجا که امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشورمان آموزش هنر و اکیداً تربیت هنری به جد گرفته نمی شود و در برنامه های درسی، هنر از جایگاه مناسب و شایسته ای برخوردار نیست؛ بنابراین در این حالت است که هنرها برنامه هایی تزئینی قلمداد می شوند که بعنوان راهی برای آسودگی پس از کار جدی مدرسه ، مفیدند. عامل دیگر که به موقعیت تزئینی هنر در نظام آموزشی، بیشتر دامن می زند، این است که هنرها بطور رسمی و ملموس سنجش نمی شوند. همچنین هنرها به آن دلیل در حاشیه تعلیم و تربیت قرار داشته اند که بصورت ارزشمند در کسب مشاغل به آنها نگریسته نشده است. بدین ترتیب در نظر گرفتن و تدوین برنامه درسی هنر که مناسب با ویژگی های زندگی امروز دانش آموزان باشد و آنها را در تجربیات یادگیری یاری رساند، اهمیت بسزا دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳). آیزنر^۱ (۱۹۹۸) یکی از مهم ترین گام ها برای اصلاح واقعی نظام های آموزشی را تدارک جایگاهی معقول برای هنر در برنامه درسی می داند. گویی که آموزش هنر باید به یک بخشی اساسی از

^۱ Eisner .

برنامه درسی مدارس مبدل شود و هنر در کنار مهارت های اساسی سه گانه (خواندن ، نوشتن ، حساب کردن) که به رسمیت شناخته شده اند ، به عنوان چهارمین مهارت اساسی و پایه در برنامه درسی بر آن تاکید شود و بی مهتری و انزوای تاریخی و سنتی از آن رخت بریندد (مهرمحمدی ، ۱۳۸۳ : ۸) . مشکل عمده در برنامه درسی هنری، عدم اجرای آن و بی توجهی به عوامل و عناصر برنامه درسی است. عدم آموزش هنر مطابق متن بر نامه مصوب (کتاب درسی دانش آموز) در نظر نگرفتن شرایط ویژه آموزش (آموزش های حرفه معلمی و ضمن خدمت)، ایجاد نکردن فرصت یادگیری در ساعت هنر در برنامه هفتگی مدارس. بنابر این عدم ایجاد فرصت های یادگیری در برنامه درسی هنر از موانع شکوفایی استعداد های کودکان و نوجوانان که هدف اصلی آموزش هنر است، می باشد (خوی نژاد، ۱۳۷۸: ۳۹) . هنر مقوله ای است پیچیده و در عین حال ملموس و شناخته شده که از دیرباز ، یعنی از آن هنگام که انسان خود و محیطش را شناخت ، به عنوان رکنی از ارکان زندگی مطرح بوده است. هنر همواره به یاری انسان شتافته است ، چه آن زمان که انسان اولیه بر دیوار غارها برای خود راهی یافت تا از طریق آن به مقابله با ضعف ها و ناآگاهی های خویش بپردازد و یا بر ترس از فنا و نیستی غلبه کند و چه اکنون که انسان در دنیایی از اضطراب و نگرانی ها دست و پا می زند (غفاری ۱۳۶۴) . شرفی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «طراحی و تدوین برنامه درسی هنر دوره ابتدایی بر اساس رویکرد تولید هنری و تلفیق » به تدوین الگویی در برنامه درسی هنر و تلفیق آن با مفاهیم درس علوم پایه های چهارم و پنجم ابتدایی مبادرت می ورزد . وی در این الگو ، با الهام از رویکرد تولید هنری گاردنر به تدوین الگویی مناسب برای تلفیق هنر با برنامه درسی علوم می پردازد . در این مطالعه رویکرد تولید هنری به منزله حل مسئله در نظر گرفته شده است. امینی (۱۳۸۰) در پژوهشی با موضوع «طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی» با عنایت به اهمیت تربیت هنری و توجه به کمبودها و مشکلات آن تلاش کرد تا از طریق طراحی یک الگوی برنامه درسی تربیت هنری ، جایگاه عناصر هدف ، محتوا ، فرصت های یادگیری و نیز شیوه های ارزشیابی در برنامه درسی هنر دوره ابتدایی را تعیین و مشخص سازد. در این پژوهش ، پس از تعریف و تبیین تربیت هنری ، روند طراحی الگوی مطلوب تربیت هنری در دوره ابتدایی را مورد بررسی قرار گرفت. وی با اشاره به این که بدون تعیین موضع و مشخص ساختن جایگاه عناصر برنامه درسی ، امکان تدوین و طراحی آن وجود ندارد؛ به تعیین موضع و جایگاه عناصر اهداف ، محتوا ، فرصت های یادگیری ، و ارزشیابی می پردازد. در تحلیل این پژوهش آمده است که برنامه فعلی هنر دوره ابتدایی

از نظر فرصت های یاددهی - یادگیری و شیوه ها و ابزار های ارزشیابی در حد ضعیفی قرار دارد. آلترا و همکاران (۲۰۰۹) در مطالعه ای با عنوان « چالش های به کارگیری تربیت هنری در دوره ابتدایی: آنچه معلمان شرح می دهند» ، خلاصه ای از یافته های یک پژوهش کیفی ارائه می کند که در آن به شناسایی تجاربات ۱۹ نفر از معلمان مدارس ابتدایی استرالیا در زمینه آموزش در عرصه تذبیت هنری می پردازد. مطالعه نشان داد تجربه های معلمان می تواند شیوه تدریس آن ها را در زمینه هنر های خلاق در برنامه درسی کلاس های ابتدایی شکل دهد. همه معلمان معتقد بودند که محدودیت زمانی اختصاص یافته به این حوزه مهم یادگیری در مدارس ابتدایی و متوسطه ، آن ها را چندان در راستای این امر آماده نمی کند. آن ها نگران دانش و مهارت مورد نیاز برای تدریس هنر های خلاق بودند . در مجموع معلمان در آموزش هنر های دیداری ، نسبت به آموزش موسیقی اطمینان بیش تری به خود داشتند. هودسون^۳ و همکاران (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «تعیین میزان آمادگی معلمان قبل از خدمت در تدریس هنر» به بررسی میزان آمادگی ۸۷ معلمی که در سال آخر دوره پیش از خدمت دوره ابتدایی در استرالیا بودند، پرداختند . نتایج این پژوهش نشان داد که این معلمان اعتقاد دارند که به طور کلی برای تدریس تربیت هنری در مدارس ابتدایی آمادگی دارند و این امر ناشی از طی کردن دروس هنرهای دیداری است .

اهمیت تربیت هنری

اهمیت هنر در آموزش مفاهیم و مطالب علمی نیز روشن و واضح است. زیرا کودک ضمن ترسیم آموخته های جدید، مجبور می شود بر آنچه فرا گرفته، مروری داشته باشد و به جزئیات، توجه خاص بنماید که این موضوع، خود به یادگیری بیشتر کودک کمک خواهد کرد. مثلاً پس از اجرای واحد کار، اگر فعالیت هنری در رابطه با موضوع واحد کار باشد، کودک سعی خواهد کرد آنچه فرا گرفته را به خاطر آورده و درباره ی آن فکر کند. شاید یکی از دلایل بی توجهی به این درس، این باشد که هنوز بسیاری از ما به اهمیت و ضرورت وجود این درس در برنامه درسی فرزندانمان پی نبرده ایم. به همین دلیل در این قسمت، از اهمیت و ضرورت وجود درس هنر در برنامه درسی، صحبت خواهیم کرد. با این اوصاف اهمیت هنر و کاربرد آن تعلیم و تربیت آن چنان که باید

Alter.^۲
 Hudson.^۳

مورد توجه قرار نگرفته است و یک دلیل بر این مدعا این است که در محتوای آموزش های معلمان حتی به قدر لازم به این امر پرداخته نشده است. حال این که این موضوع آن قدر موثر و مهم است که باید در حد کافی به آن توجه شود اگر هنر در تعلیم و تربیت به طور عام اثرگذار است در تربیت بدنی و معنوی و اخلاقی به طور خاص اثر می گذارد و لازم است با بهره گیری از آن در روشها مواد تجهیزات آموزشی و پرورشی زمینه تحقق تربیت کامل را فراهم کرد.

روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ هدف از نوع کاربردی است زیرا نتایج آن قابل استفاده در سازمان هایی چون آموزش و پرورش ، کانون های پرورش فکری می باشد. در این تحقیق از روش کتابخانه ای (اسنادی) استفاده شده که محقق به مطالعه کتاب ها ، مجلات ، مقالات و سایت ها پرداخته است.

هنر و مفهوم سواد

لفظ هنر^۴ در زبان سانسکریت از دو کلمه ی «سو» به معنای نیک و هر چیز خوب و نیک که فضایل و کمالاتی بر آن مترتب است و «نر یا نره» به معنای زن و مرد تشکیل شده است . این واژه وارد زبان فارسی شده و در اوستا به شکل « هونر» آمده که از صفات اهورا مزدا به معنای نیک و خوب است . در فارسی میانه یا پهلوی و پس از آن در دوره ی اسلامی ، به صورت هنر و به معنای انسان کامل و فرزانه و هم به معنای کمال و فضیلت آمده است. در لغت نامه ی دهخدا « هنر » به معنای علم ، معرفت ، دانش ، فضل ، فضیلت ، کمال ، کیاست ، فراست و زیرکی است (رادپور، شاپوریان ، شریف زاده ، مرزبان ، مهدوی و صفوی ، ۱۳۹۲ : ۱) . یکی از مباحث اساسی که در جریان تبیین جایگاه هنر در نظام آموزشی ، به آن توجه جدی شده است ، مبحث ناظر به مفهوم ، ماهیت و دامنه ی سواد است. نظام های آموزش و پرورش ، از دیر باز ، سواد آموزی را یکی از کارکردهای مهم خود دانسته اند و در چهارچوب مفهوم سواد سنتی و کوشش در جهت بازشناسی ابعاد و حدود و ثغور آن ، توسط محققان و نظریه پردازان به سیاستگذاران و مربیان امکان می دهد در چارچوب مقوله ای دیر آشنا و گفتمانی

Art. ^۴

«مأنوس و مألوف» ، جایگاه هنر و تربیت هنری را از نو ادراک کنند و ضرورت توجه به آن را درونی سازند (مهرمحمدی، ۱۳۸۳: ۱۲) . سواد عموماً به معنای خواندن و نوشتن است . به عبارت دیگر، فرد با سواد به کسی اطلاق می شود که بتواند با استفاده از زبان مکتوب ، مقصود و معنای مورد نظر خود را به رایگان منقل و معنا و مقصود مورد نظر دیگران را دریافت کند. بنابراین ، باید در یک مفهوم وسیع تر ، سواد را وسیله بده و بستانِ معنی تلقی کرد . در این چارچوب ، می توان گفت گرچه بسیاری از معانی و مفاهیمی که انسان با آن ها سر و کار دارد ، از طریق خواندن و نوشتن حاصل می شود، اما تردید نباید کرد که انتقال معنا منحصر به متن نیست و متن تنها ابزار بده و بستان معنایی نیست . به دیگر سخن ، متن و زبان مکتوب بخش کوچکی از موادی را که معنا و مفهوم از طریق آن ها مبادله می شود ، تشکیل می دهد (همان : ۱۳) .

سواد هنری

سواد هنری و زیبایی شناختی مدت ها در آموزش عمومی به صورت آمیخته با سواد فرهنگی مورد توجه قرار می گرفت. امروز، با توجه به حضور فراگیر و کارکردی سواد هنری و زیبایی شناختی در عرصه های گوناگون زندگی تعریف سواد هنری و زیبایی شناختی به طور مستقل ممکن شده است. سواد هنری و زیبایی شناختی را به مثابه مهارتی برای درک، مفهوم سازی و عرضه کیفیات هنری تعریف می کنند. شخصی را باسواد و فرهیخته هنری و زیبایی شناسی می شناسد که می تواند تجارب زیسته خود را به زبان هنری تبدیل کند. در واقع، او بر این باور است که یادگیرنده باید بتواند مترجم زبان تجربه به زبان زیباشناسانه باشد. با این نگاه، سواد هنری و زیبایی شناسی به سواد انتقادی نزدیک می شود. این زبان که از آن می توان به سواد هنری متقدانه نام برد، زبانی متعهد است. زبانی است که نابرابری ها را بازمی نماید و آن را به صورتی هنری عرضه می کند (رضایی، ۱۳۸۸) . سواد هنری و زیباشناختی در قالب هر یک از تجلیات هنری، نظیر آثار بصری، موسیقایی، نمایشی/ادبی و ... باشد بر نیاز دانش آموزان به شناخت، فهم، تفسیر تجلیات و فهم تاریخی و میهنی انواع هنر تأکید می ورزد. همچنین، سواد هنری و زیباشناختی به میزان و درجه آشنایی یادگیرنده با مفاهیمی و مسائل هنری و زیبایی شناسی که در یک جامعه مهم و برجسته تلقی می شود، اشاره می کند. حفظ و توسعه میراث فرهنگی، بنیه ملی و توجه به فرهنگ ماندگار جهانی در سواد هنری و زیباشناختی حایز اهمیت شناخته می شود (همان) .



تربیت هنری و نظام آموزشی

بدون تردید ، انجام هر فعالیت در هر حوزه ای از کارکرد های نظام آموزشی ، بل از هر چیز ، مستلزم برخورداری از یک چهارچوب نظری متقن و یک ذهنیت روشن و تعریف شده از آن حوزه است تا بتوان به اتکای این چهارچوب ، منطق و دلایل قابل دفاعی را برای توجیه و تبیین فعالیت های انجام گرفته ارائه داد. بدیهی است فقدان این تعریف و چهارچوب نظری باعث می گردد که اقدامات مزبور در حوزه مربوطه ، تحت تأثیر ذهنیت ها و برداشت های شخصی محدود و مبهم قرار گرفته و چه بسا موجبات دوری و انحراف از اهداف مورد نظر را فراهم نماید (امینی، ۱۳۸۳ : ۵) . اکنون چنین ابهام نظری در مورد مفهوم و تعریف تربیت هنری وجود دارد. به عبارت دیگر ، در نظام آموزش و پرورش کشور ما ، تبیین و مفهوم پردازی جامع و دقیق از معنا ، گسترده و حدود و ثغور تربیت هنری ارائه نشده است. این وضعیت ، به نو به خود، تا حدودی ناشی از نامشخص بودن جایگاه تربیت هنری در نظام آموزش و به تبع آن ابهام و سرگشتگی ، فقدان و وضعیت نامساعد و ناکار آمدی است که در این حوزه وجود دارد (همان) . واژه نامه آموزش و پرورش هم معنای تربیت هنری را به آموزش در زمینه هنر های تجسمی و فضایی یا حجمی نسبت می دهد که دارای تقسیم بندی های مختلفی است. به عبارت دیگر ، تربیت هنری به معنای آموزش و فعالیت در زمینه هنر های تجسمی و فضایی است که حوزه های اساسی آن شامل هنر های زیبا ، صنعتی ، گرافیکی ، تبلیغی یا تجاری ، داخلی یا خانه داری و نمایش می باشد (همان : ۸) . تربیت هنری به عنوان یکی از کارکرد های اساسی و مهم نظام آموزشی مطرح می باشد. اهمیت این کارکرد از آن جا ناشی می شود که تربیت هنری در ایجاد و بارورسازی زمینه های سازنده ای مانند بروز نوآوری و خلاقیت ، رشد مهارت های فکری و شناختی پرورش و تعدیل عواطف و احساسات ایجاد تغییرات عمیق در سلوک فردی ، رشد اخلاقی ، افزایش اعتماد به نفس ، رشد مهارت های مربوط به دست ورزی کردن و... تأثیری شگرف دارد. از این روست که مکاتب گوناگون فکری ، سیاسی ، اعتقادی هنر را به منزله وسیله ای کار آمد جهت توسعه مفاهیم و معارف مختلف در جامعه دانسته و آن را در پرورش انسان به گونه ای متناسب با هدف های خود بکار گرفته اند (میرزاییگی، ۱۳۷۰ : ۱۵) .



تاریخچه آموزش هنر

طراحی برنامه ی درسی هنر از سال ۱۳۷۸ شروع شده است این برنامه پس از سه مرحله اعتبار بخش نظری وارد اجرای آزمایشی شده است. اجرای آزمایشی محدود و گسترده ی درس هنر پایه ی اول به ترتیب در سالهای تحصیلی ۱۳۸۳-۸۲ و ۱۳۸۳-۸۴ و اجرای آزمایشی محدود پایه ی دوم در سال تحصیلی ۱۳۸۳-۸۴ انجام گرفته است از مهر ماه ۱۳۸۴ اجرای آزمایشی پایه ی سوم و اجرای سراسری این برنامه در هفت استان آذربایجان شرقی، شهر تهران، شهرستان های استان تهران، قزوین، فارس، کردستان و یزد آغاز شده است (مهر محمدی، ۱۳۸۳: ۱۵۷).

برنامه درسی هنر

در خصوص منابع یادگیری در برنامه درسی (دانش آموز، جامعه و دانش) با چالش هایی مواجه هستیم، زیرا بر اساس عناصر نه گانه برنامه درسی، فرصت های یادگیری غنی ای فراهم نمی شود. به نظر می رسد در این میان فقط برنامه های درسی، تعیین کننده نیستند. در جامعه و خانواده، فرصت های یادگیری بسیاری مانند رسانه های جمعی، اینترنت، مشاهده های شخصی، شکل گیری منش و شخصیت یادگیرنده پیش از مدرسه و نظایر آن مورد تاکید است. رسانه ها متاثر از دانش فناوری هنر، تبلیغات و فرصت های گوناگون جهانی اند که شخصیت، هویت و نظام ارزشی دانش آموزان را تحت تاثیر قرار می دهند. اگر برنامه های درسی مطلوب تهیه کنیم اما این برنامه ها بر اثر واقعیت های بیرونی بی اعتبار شوند، دانش آموزان از یادگیری بهتر برخوردار نخواهند شد. آنچه از طریق فعالیت ها و محتوای برنامه های درسی به کودکان ارائه می شود باید با ارزش هایی که کودک از خانواده دریافت می کند و آنچه از طریق رسانه ها به او یاد می دهند، هماهنگ باشد تا این عوامل یکدیگر را تقویت کنند و فرایند یادگیری، عمیق تر صورت پذیرد (خوی نژاد، ۱۳۷۸: ۳۹). مشکل عمده در برنامه درسی هنری، عدم اجرای آن و بی توجهی به عوامل و عناصر برنامه درسی است. عدم آموزش هنر مطابق متن برنامه مصوب (کتاب درسی دانش آموز) در نظر نگرفتن شرایط ویژه آموزش (آموزش های حرفه معلمی و ضمن خدمت)، ایجاد نکردن فرصت یادگیری در ساعت هنر در برنامه هفتگی مدارس، بنابر این عدم ایجاد فرصت های

یادگیری در برنامه درسی هنر از موانع شکوفایی استعداد های کودکان و نوجوانان که هدف اصلی آموزش هنر است، می باشد (همان). از آنجا که امروزه در مدارس و مراکز آموزشی کشورمان آموزش هنر و اکیداً تربیت هنری به جد گرفته نمی شود و در برنامه های درسی، هنر از جایگاه مناسب و شایسته ای برخوردار نیست؛ بنابراین در این حالت است که هنرها برنامه هایی تزئینی قلمداد می شوند که بعنوان راهی برای آسودگی پس از کار جدی مدرسه، مفیدند. عامل دیگر که به موقعیت تزئینی هنر در نظام آموزشی، بیشتر دامن می زند، این است که هنرها بطور رسمی و ملموس سنجش نمی شوند. همچنین هنرها به آن دلیل در حاشیه تعلیم و تربیت قرار داشته اند که بصورت ارزشمند در کسب مشاغل به آنها نگریده شده است. بدین ترتیب در نظر گرفتن و تدوین برنامه درسی هنر که مناسب با ویژگی های زندگی امروز دانش آموزان باشد و آنها را در تجربیات یادگیری یاری رساند، اهمیت بسزا دارد (مهرمحمدی، ۱۳۸۳).

آخرین مصوبه ی جدول درسی دوره ابتدایی در ایران

ساعات در هفته					عنوان درس ها	ردیف
کلاس اول	کلاس دوم	کلاس سوم	کلاس چهارم	کلاس پنجم		
۱	۲	۲	۲	۲	قرآن	۱
-	۲	۲	۲	۲	تعلیمات دینی	۲
۱۱	۸	۸	۷	۷	زبان آموزی	۳
-	-	۲	۲/۵	۲/۵	مطالعات اجتماعی	۴
۵	۵	۴	۴	۴	ریاضیات	۵
۳	۳	۲/۵	۳	۳	علوم تجربی و بهداشت	۶
۲	۲	۱/۵	۱/۵	۱/۵	هنر	۷
۲	۲	۲	۲	۲	تربیت بدنی	۸
۲۴ ساعت					جمع	

اهداف برنامه ی درسی هنر



هدف های برنامه درسی هنر دوره ابتدایی ، از تحلیل رویکرد برنامه تعیین شده و با اهداف مصوب شورای عالی آموزش و پرورش هماهنگ است . این هدف ها در سه حوزه دانش ، مهارت و نگرش تدوین شده اند . اما از آنجا که هیچ مهارتی بدون دانش و آگاهی ایجاد و هیچ فعالیتی بدون انگیزه و خواست انجام می شود. تفکیک کامل این سه حوزه نیز امکان ندارد . تفکیک صوری این حوزه ها از یکدیگر، فقط برای سهولت طراحی قسمت های دیگر برنامه انجام شده است.

اهداف تربیت هنری در سه حیطه ی دانش و مهارت و نگرش به شرح زیر تبیین شده است:

۱- سطح دانش

۱- آشنایی با طبیعت به عنوان منبع الهام آفرینش های هنری :

۲- آشنایی با رشته های هنری (نقاشی ، کاردستی و حجم سازی ، قصه گوئی و نمایش و موسیقی)

۳- آشنایی مقدماتی با ابزار و مواد هر یک از رشته های هنری:

۴- آشنایی با میراث فرهنگی و هنری:

۲- اهداف حوزه ی مهارت:

۱- توسعه ی مهارت های حسی، بینایی، بویایی، چشایی و لامسه

۲- توسعه ی مهارت های گفتاری:

۳- توسعه ی مهارت های حرکتی

۴- توسعه ی قابلیت های تفکر.

۵- توانایی بیان افکار و احساسات در قالب های هنری:

۶- توسعه ی مهارت های اجتماعی:

سطح نگرش:



دانش آموز با انجام دادن فعالیت ها ، به توانایی های خود پی می برد خود را باور می کند و اعتماد به نفس به دست می آورد. او ضمن انجام دادن فعالیت ها توانایی هایش را توسعه می دهد و برای بهبود کار خود دانش هایی را کسب می کند که در دو سطح دانش و مهارت درباره ی آن ها توضیح دادیم . مجموعه ی این فعالیت ها در ساخت ارزش ها و باورهای او تاثیر می گذارد. توجه او را به دنیای اطراف جلب می کند تمایلات و علاقه هایش را شکل می دهد و راه آینده ی او را هموار تر می سازد تا بتواند بهتر انتخاب کند و تصمیم بگیرد. نگرش های دانش آموز نسبت به هر چیز به زمینه های ذهنی و تربیتی او باز می گردد که در مدت زمانی نسبتاً طولانی شکل می گیرد. (رادپور و همکاران ، ۱۳۹۲)

اهداف برنامه درسی هنر در کشورها

اهداف کلی برنامه درسی ملی و منطقه ای برخی کشورها در درس هنر حکایت از توجه بیشتر به تقویت نگاه های حداقلی (ابزاری)، فرایندی و حداکثری (دستاوردها) دارند که هر سه آنها در آموزش هنر، لازم و ملزوم یکدیگرند که به عمده ترین آنها به شرح زیر اشاره می شود. تولید آثار هنری، تعامل با مواد و وسایل و بازشناسی آن، تنوع روش ها و راه حل ها، بازشناسی ابعاد فرایندی، تقویت حواس پنجگانه، ادراک و دریافت بصری، توصیف آثار هنری و پدیده های طبیعی، کاربرد وسایل و رسانه های ترکیبی، برانگیختگی تفکر، استفاده از متون مختلف برای غنا بخشیدن به تجارب هنری، آشکار ساختن ارزش فرد (لهستان)، بازدید از موزه ها و مراکز هنری، هنرهای نمایشی، استفاده از ابزار و وسایل، کامپیوتر (اردن)، توانایی در یک شکل هنری خاص، تجزیه و تحلیل آثار هنری، شناخت قلمرو وسیعی از هنرها، آگاهی از آثار هنری برجسته در فرهنگ های مختلف، مطالعه زیباشناسی، نقادی هنر، تاریخ هنری، آموزش فرارشته ای در کلاس هنر (توجه به علوم، ریاضی، ادبیات، تاریخ)، بازدید از موزه داران و گالری دارها (کانادا)، یادگیری فعال همراه با ساختن و ارائه دادن، رسانه های چاپی و الکترونیکی (زلاندنو)، توجه به فرهنگ ملی و میراث فرهنگی، استفاده از ابزارها (ایتالیا)، کامپیوتر، ویدئو، نساجی و هنرهای نمایشی، اختیارات مدارس در این خصوص (استرالیا)، هنر به عنوان یک دستاورد عقلانی و شناختی، رشد انسان از طریق هنر، آموزش خوشنویسی، موزه ها (ژاپن) ، تشویق خلاقیت ، مهارت در تشخیص و درک پدیده ها، به کارگیری اشکال غیر کلامی، بهره گیری از روش های تصویری در کسب تجربیات زیبایی شناختی، مهارت در



تشخیص و درک پدیده ها، ایجاد قابلیت در ساختن و شکل دهی ، توسعه ی تجربه ها، مشاهده ساختارهای معماری و آموزش اصول ساختمان سازی، استفاده از ابزارهای مختلف رنگ آمیزی، شناخت رنگ ها ، آثار هنری تصویری(آلمان) حفظ آثار هنری و میراث فرهنگی، توجه به زیباییها و پرورش حس زیبایی شناسی، آشنایی با میراث فرهنگی و هنری ایران، کاربرد مواد، ابزار و فنون ساده هنر(ایران)، آشنایی با خلقت (طبیعت) به عنوان منبع الهام آفرینش های هنری ، بنابراین تفکر امروزی درباره ی هنر و زیباشناسی به منزله ی هسته ی اصلی برنامه درسی یا اصلاح نظام آموزشی از اواخر قرن گذشته سیاست گذاری های اصلاحی در نظام آموزشی به علت عطف توجه به هنر بعنوان یک راهبرد میل کرده است(مهرمحمدی، ۱۳۸۲).

نقاط قوت و ضعف نظام برنامه ریزی درسی و آموزشی

اگر چه مواردی جزئی به عنوان نقاط قوت این نظام ، مطرح می باشد لیکن تنها نقطه قوت و بزرگ ترین آن همانا حرکت هایی است که از سال ۱۳۸۷ در سازمان پژوهش و برنامه ریزی آغاز شده است . بعد از وقفه و رکود نسبتاً طولانی در حوزه آموزش هنر ، این حرکت در واقع احیاگر حوزه ی آموزش هنر و تربیت هنری به شمار می رود. اقدام های گسترده ای که در خصوص تهیه ی برنامه ی درسی جدید دوره ی راهنمایی در جریان می باشد ، نقطه قوت این نظام به شمار می رود (رضایی ، ۱۳۹۲ : ۱۸). در بخش نقاط ضعف برنامه ریزی درسی و آموزشی ، کمبود ساعت اختصاص یافته به آموزش هنر در دوره ابتدایی و با شدت بیشتری در دوره ی راهنمایی ، از لحاظ فرصت ناکافی برای انتقال محتوا و انجام فعالیت های آموزشی ، مشکلات زیادی را ایجاد کرده است. به عبارتی می توان گفت که میان ظرف و مظلوف تناسبی وجود ندارد. عدم وجود برنامه ی درسی هنر در دوره ی متوسطه نقطه ضعف عمده ای است که در این بخش حائز اهمیت است و قابل تأمل می باشد. به تعبیر مهر محمدی « حذف علمی درس هنر از برنامه ی درسی دوره دبیرستان (شاخه ی نظری) ، که معلول خط میان مفاهیم آموزش عمومی هنر و هنر در آموزش عمومی است » مسئله ی عمده ای است که شاید نه تنها نقطه ضعف این نظام بلکه به مراتب بیشتر ، نقطه ضعف عمده ی نظام مدیریت و راهبردی شمرده می شود(همان) . به نظر می رسد یکی دیگر از مشکلات اساسی در حوزه ی هنر و آموزش آن ، بحث ارزشیابی باشد. چنان که نتایج حاصل از پژوهش متعدد نشان می دهد هم عملکرد معلمان هنر در زمینه ارزشیابی و هم اظهار نظر آنها در این

خصوص حکایت از آن دارد که معلمان هنر با تخصص هنری به میزان کمتر و سایر معلمان به میزان بیشتری با این مقوله مشکل دارند. نتایج منعکس شده در ارزشیابی های به عمل آمده از برنامه ی درسی جدید دوره ی ابتدایی ، بیانگر آن است که این مسئله ، همچنان بقی است (همان:۱۹) . البته شاید بتوان گفت که این مسئله تحت الشعاع ضعف عمده تری که نه خاص نظام برنامه ریزی درسی و آموزشی بلکه مخاطره ای جدی برای تمام آموزش و پرورش است، می باشد. این مسئله یا مشکل همانا سلطه و رسوخ اندیشه ی رفتارگرایی به تمام اجزاء و عناصر نظام آموزش و پرورش است که البته تأثیر آن بر حوزه ی تربیت هنری ، به سبب ماهیت کیفی آن ، بیشتر محسوس می باشد . بنابراین همان طور که گفته شد این ضعف عمده نه تنها تربیت هنری و نظام برنامه ریزی درسی و آموزشی مربوط به این حوزه ، بلکه کل نظام آموزش و پرورش را دچار خدشه و آسیب می سازد (همان: ۲۰)

نقش هنر در گسترش خلاقیت و حس زیبایی شناسی کودکان

وظیفه بسیار جالبی که معلمان مدارس ابتدایی به عهده دارند، این است که دقیقاً آنچه را که در برنامه ی درسی گنجانده شده است ، تدریس نمایند. این کار مستلزم آن است که معلمان در مورد چگونگی فرآیند یادگیری کودکان آگاهی داشته و به کار خود علاقه مند و از زمینه های درسی مختلف مطلع باشند. اغلب معلمان مدارس ابتدایی ، آگاهی چندانی از هنر - طراحی و ساخت - ندارند. دلیل این امر آن است که آنان به هنگام گذراندن دوره تربیت معلمی ، فرصت چندانی ندارند تا به کار های هنری بپردازند . همچنین در طول تحصیلات « آکادمیک مدار » خود ، برای اینکه بتوانند حواس را روی موضوعات « معنی دار » متمرکز نمایند ، مجبور بودند از هنر چشم پوشی کنند. با وجود تمامی این گفته ها ، هنر و کاردستی به عنوان یک واحد هنری ، شامل فعالیت های عملی گوناگون در مورد جنبه های دو بعدی و سه بعدی است و این امر خود مستلزم آن است که معلمان ، در مورد مواد ، لوازم و ابزار ، ذخیره سازی ، آموزش مهارتها ، تولید هنری ، نمایش هنری و ارزشیابی دانش و آگاهی لازم را داشته باشند(جان لنکستر ، ۱۹۳۰ : ۱۵) . معلم با تدریس هنر ، کار موفقتری انجام می دهد؛ زیرا بچه ها انجام فعالیت های هنری را دوست دارند. در هر انسانی ، چه جوان و چه پیر ، ذوقی خلاقانه وجود دارد ؛ زیرا همه ی ما از تمایل فطری برای استفاده از دستهای خود و نیز مواد لازم به عنوان ابزارهایی برای « بیان



هنری» برخوردار هستیم (جان لنکستر ، ۱۹۳۰ : ۱۵). اگر آموزگاران قصد داشته باشند که آموزشی برنامه ریزی شده و متعادل برای دانش آموزان خود تدارک ببینند تا آنان از زندگی غنی و آکنده از زیباییها لذت ببرند، آن وقت آموزش هنری می تواند جایگاهی بس ارزشمند در این میان برای خود کسب کند. کودکان امروز، آینده سازان فردا ، پدران و مادران و به عبارتی دیگر مصرف کنندگان بزرگسال فردا هستند. آنان شهروندان و سیاستمدارانی می شوند که مسئولیت پروژه های محیطی را که مستلزم آگاهی از مفاهیم هنر و طراحی است ، بر عهده خواهند گرفت . آنان فعالانه در تصمیم گیری ها شرکت خواهند کرد و شاید رهبری پروژه های عظیم اجتماعی را که مستلزم صرف هزینه های هنگفتی است، به دست گیرند بنابراین ، اگر از آموزش صحیح در هنر و طراحی برخوردار شوند ، اگر در زمینه زیبایی شناسی کاری انجام دهند ، بی شک با درک بهتری است و تلاش خواهند کرد که کار خود را با کیفیت بصری حساب شده ای ارائه دهند. معلمان با شکوفای ساختن حس زیبایی شناسی دانش آموزان ، این توانایی را به آنان خواهند داد که اشیاء و نیز محیطی بسازند که از نظر زیبایی شناسی دلپسند باشد. شکوفای شدن حس زیبای شناسی در دانش آموزان ، همچنین بر درک آنان برای فهم آثار هنری دیگران خواهد افزود (همان : ۱۹) .

بی مهری آموزش و پرورش به مقوله هنر

هنر بخش بزرگی از فرهنگ هر کشور است و پاسداشت آن برای بقا و اعتلای کشورها از ضروریات و بدیهیات می باشد. آنچه مفهوم هنر با خود به همراه دارد ارزش است و ارزش ها در منشور مدیریت کشورها در همه ادوار دارای جایگاه ویژه ای بوده اند؛ شناخت مختصات هنر و پرورش و آموزش آن یک هدف ملی است زیرا از طریق هنر، هویت یابی زاینده می شود و در واقع هنر با خود زایش به همراه دارد. وجه تخیلی بودن هنر رابطه مستقیمی با خلاقیت و نوآوری دارد زیرا هنر در تلاش است با کمک احساس و روح آدمی به خلق اثر کمک نماید. این آفرینش با تمام وجود صورت می گیرد (محمد پور، ۱۳۸۲ : ۱۶). آنچه هنر با خود حمل می کند جلای روح، تلطیف احساس، نفوذ پذیری، جور دیگر دیدن، شورانگیزی، جذابیت، زیبایی شناسی، تحرک و بازآفرینی است. ایرانیان در تاریخ چندین هزار ساله خویش در همه حال با هنر زندگی نموده اند و صبغه و پیشینه این مردمان در آثار به جا مانده همچنان در صدر کشورهای هنر دوست قرار دارد. آنچه اندیشه یک نقاد را به چالش

می کشد این است که سازمان یافتگی هنر در ایران باید بیش از پیش مورد اقبال برنامه ریزان این حوزه قرار گیرد و بالندگی این مفهوم باید برای همه قشرها و نسل ها قابل فهم باشد (محمدپور، ۱۳۸۲: ۱۶). برنامه درسی نیز یکی از معابری است که در آن آموزش هنر و جولان هنر در سطح معلم و دانش آموز و حتی در روند اداری می تواند معنی دار شود و نظام تعلیم و تربیت ناگزیر است در این راستا خود را در مسیر تحول و بازنگری قرار دهد. وقتی قطعه شعری سروده می شود، صدای موزون و دل انگیز آوازی را می شنویم، خط زیبایی را بر تابلویی نظاره می کنیم، در چشم انداز بنایی زیبا می ایستیم، سازه ای را که توسط مهندسی هنرمندانه به ثمر نشست است می نگریم، در جلسه سخنرانی خطیبی به شکل بسیار ماهرانه مخاطبان را به خود جذب نموده است می نشینیم، نقاشی زیبایی را در پارک محله خود می بینیم، چه احساسی به ما دست می دهد؟ در یک کلام احساس شمع و غرور با یک دگرگونی در دل و جان خود درک می کنیم و در این حالت است که هنرمندی دار می شود. آنچه مسلم است این است که هنر با خود پویایی به همراه دارد و به بیان دیگر در هر یک از اشکال هنر، تحرک نهفته است که در کل امید به زندگی و معنا بخشیدن به آدمی را جلوه گر می شود. بیان شد پیشینه هنری ایرانیان به چندین هزار سال قدمت بر می گردد و هنر اسلامی نیز از شروع تاریخ اسلام در ایران سابقه داشته است و به طور طبیعی باید شاهد می بودیم این هنر به شکل رشد یافته ای در خدمت توسعه انسانی قرار می گرفت؛ اما تغییر مناسبات اجتماعی و بازتعریف از کارکردهای عامه پسند و تجاری که در متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی نمود داشته، سبب شده است بخش پر وزن هنر را که در شکل دهی فرهنگ هر جامعه ای موثر است به شکل ناکارآمدی در سیستم آموزشی خود تعقیب نماییم. کارکرد صحیح به کارگیری خط و زبان در آموزش، عدم بیان شعر توسط معلم در حین ارائه تدریس، استفاده نکردن از دست سازه ها و تبیین آن برای دانش آموزان، عدم شناساندن مکان های دیدنی، معرفی نکردن معماری ایرانی برای دانش آموزان، عدم استفاده از رنگ های شادی آفرین و نقوش مختلف در طراحی و شناساندن هنرهای گوناگون به دانش آموزان، همه و همه گویای این واقعیت است که ورود و اقامت هنر در آموزش و پرورش با بی مهری همراه بوده است. شاید ناباورانه باشد که تنها شاخصی که در حال حاضر جزء الزامات استخدام در آموزش و پرورش نیست مهارت در فراگیری هنر است با مفاهیم برآمده از هنر و مجهز کردن آن به مهارت های معلمی می توان به تنویر هویت ملی در آموزش کمک کرد؛ زیرا متغیرهای ارزشی در داخل هنر بیش از پیش نمایان شده، به مصداق نزدیک شده و برای جامعه دانش آموزی



معنی دار است (امینی، ۱۳۸۳). حال نیازمندیم در فرآیند یاددهی و یادگیری آموزش هنر را مورد واکاوی قرار دهیم زیرا معتقدیم هنر در خود خصلت هایی را حمل می کند که ارزش های اجتماعی، دینی، آداب و رسوم، شیوه گفتمان و در نهایت ارتقای فرهنگی را به دنبال دارد که همه این فعل و انفعالات به یادگیری ختم می شود و باید اذعان نمود که این یادگیری از نوع درونی شده است؛ پس ضرورت دارد نقش آموزش هنر بیشتر مورد بررسی و تتبع قرار گیرد. واقعیت این است که هنر ضریب نفوذپذیری بالایی در مولفه های اجتماعی داشته و معرف های هنری در روح و کالبد جامعه حضور دارد و این امر می تواند در انگیزه افزایی دانش آموزان در جهت گرایش به یادگیری موثرتر به کار آید. زبان و ادبیات، آثار باستانی، فرآورده های فنی، معماری و شهرسازی، طراحی حیات زیست محیطی، ورزش و سلامت و ده ها نشانه دیگر از هنر وام می گیرند؛ در واقع هنر به خلاقیت و توانایی های کودکان کمک کرده و ظهور و بروز این قابلیت ها در هنر جلوه گر می شود. کشور ما ایران از صدها سال قبل از میلاد در زمینه هنر سرآمد بوده است و ایرانیان همواره برای هنر ارزش و اعتبار ویژه ای قائل بوده اند و همچنان در قرن بیست و یکم نیز بعضی از آثار ایرانیان چون فرش و صنایع دستی مثل نگینی زیبا در جهان می درخشد تا جایی که فرانچسکو رئیس موسسه می گوید ایران باید پایه مطالعات و پایلوت صنایع دستی جهان قرار گیرد و شاعر شهیر ایرانی اذعان دارد هنر نزد ایرانیان است و بس؛ که صد البته این ظرفیت در کشور ما وجود داشته و دارد؛ پایان سخن اینکه تعلیم و تربیت ما می تواند با یک برنامه ریزی بلندمدت به همه این ظرفیت ها پاسخ دهد (امینی، ۱۳۸۳).

توجه به تفاوت های فردی دانش آموزان در برنامه درسی هنر

تلاش های زیادی به منظور شناخت ابعاد گوناگون وجودی انسان انجام گرفته که از جمله ثمرات آن معرفت نسبت به تفاوت های فردی بوده است. اگر تعلیم و تربیت را به طور کلی فراهم کردن بستر رشد در ابعاد گوناگون برای دانش آموزان تعریف کنیم، طبیعی است چنین رشدی بدون شناخت و توجه به ماهیت دانش آموزان، از جمله تفاوت های فردی آنان، حاصل شدنی نیست. توضیح بیشتر آن که لحاظ نکردن تفاوت های فردی در قلمرو تعلیم و تربیت تفسیر دیگری دارد جز نزدیک به الگو یا نگاره کارخانه ای در این عرصه و تعمیم اصول و راهکار های مورد توجه در فرایند پردازش مواد خام به مقوله تربیت و پرور نوع انسان ندارد (امینی،

۱۳۸۳ : ۱۵۸). برخی از مهم ترین ابعاد تفاوت های فردی که تفکر درباره درسی و چگونگی طراحی برنامه ها آموزشی را تحت تأثیر قرار می دهند عبارت است از استعداد تحصیلی یا هوش بهر ، مراحل رشد ، پیشینه اطلاعاتی ، نیاز ها ، علایق ، گرایش ها ، زمینه فرهنگی ، تاریخی نژادی ، معلولیت ها ، سن و جنسیت می باشد (همان).

سخنی با مربیان هنری کودک

یاد گرفتن زبان کودکان برای کسانی که می خواهند به نوعی با کودکان رابطه داشته باشند، ضروری است. زبان کودکان با زبان بزرگترها تفاوت دارد، از کلمات ساده تشکیل شده است در حول و حوش دنیای بچه ها و در حد فهم و آگاهی آنان است. برخورد ما در ایجاد ارتباط با کودک ، باید بسیار دقیق باشد و مربی برای اینکه بتواند بهتر کودک را بشناسد و در نتیجه برخوردی صحیح با او داشته باشد ، باید از روانشناسی کودک آگاهی داشته باشد (سپهر ، ۱۳۷۵: ۱۲). نکته دیگر اینکه ما به آنچه که می گوئیم عمل کنیم و فقط در قالب حرف برای کودکان نباشد. وظیفه مربی است که نقاط مثبت کودک را تقویت کند و نقاط ضعف او را از بین ببرد. سن کودک ایجاب می کند که طبق اصول صحیح و تجربه شده با او عمل شود تا آینده بهتری داشته باشد (همان). از مسایل بسیار مهم دیگر برای معلم ، مربی یا هنرمند این است که بدون طرح درس وارد کلاس نشود ، چرا ممکن است بدون طرح درس رشته اصلی مطلب را از دست بدهد و یا نتیجه عکس از مطالب مطرح شده در کلاس بگیرد مسئله دیگری که مربی هنر باید مد نظر داشته باشد ، دادن آزادی عمل به کودکان ، در حین انجام کارهای هنری است . و این بدان معنا نیست که در کلاس هرج و مرج بوجود آید . نکته دیگر برای مربی هنر این است که بتواند به راحتی ایجاد ارتباط کند و از راه درست با توجه به مطالبی که گفته شد ، ارزش این علم را به کودک هنر جو بفهماند (همان: ۱۴).

نتیجه گیری

هنر از پدیده های می باشد که همیشه نقش تاثیر گذار و موثری در عرصه ی زندگی انسانها داشته و از گذشته مورد نظر اندیشمندان، حکیمان، روشن فکرها و فلاسفه بوده است. با یک نگاه گذرا و اجمالی بر مکاتب مختلف و

متعدد فکری می توان چنین بیان داشت که هنر به منزله وسیله ای کارآمد برای پیشبرد و توسعه معانی و مفاهیم گوناگون در یک جامعه اجتماعی میباشد و پرورش فکری انسانها را متناسب با هدف های خواسته شده و مشخص به کار می گیرد اهمیت هنر، توسعه و پرورش آن بر محور آموزش بر هیچکسی پوشیده نیست. هنر دوستی و زیباشناسی در فطرت انسانها شکل گرفته است. کارشناسان بر این اعتقادند که در بحث تعلیم و تربیت میتوان با بیان هنرمندانه نقش اساسی در رشد، نمو، تکامل و تربیت ایفا کرد. هنر نقش کلیدی در زمینه های رشد در ابعاد مختلف عاطفی، اجتماعی، دینی و روانی را مهیا می سازد. هم اکنون بیشتر فعالیت های ادبی و هنری در مدارس تحت تاثیر «نحو و شکل» اجرای آن است. می توان اذعان داشت که بیشتر جنبه ی سرگرمی و تفریحی آن در مدارس مورد توجه قرار می گیرد. این در حالی است که بهترین واسطه های لایق برای پرورش و تربیت دانش آموزان هنر می باشد برای ابلاغ پیامهای تربیتی و آموزشی اگر مقوله ی جاذبه های هنری مورد توجه قرار بگیرد، تاثیر و موفقیت آن دو چندان خواهد بود. اثر هنر زمانی بیشتر می شود که معلمان و مربیان با برنامه ریزی مدون و منظم و رعایت تربیت آموزشی به سراغ آن بروند در مدارس می بایست فعالیت های هنری را به عنوان یک درس ویژه مد نظر داشت، که پایه و اساس مجموعه ی نظام پرورشی و آموزشی از آن شکل بگیرد. آموزش زیبایی شناسانه، یعنی پیوند بین دو مقوله ی مهم اندیشه و احساس. هنر راه ژرف اندیشی و درک عمیق را برای دانش آموزان میسر می نماید و این یعنی ارتقای یادگیری آموزش برای آنان پژوهش های بعمل آمده نشانگر آن است که آموزش هنر همانطور که بر قالب و شکل گیری بنیه هنری کودکان و نوجوانان تاثیر مستقیم می گذارد در انسجام شخصیت دانش آموزان نیز کمک شایانی می نماید. انسجام شخصیتی که در اثر هنر بوجود آمده، پیوندی است که دانش آموزان بین واقعیت های موجود در جامعه و مدرسه ایجاد می کنند. این امر باعث می گردد که دانش آموزان قدرت و توان تحول شخصی و اجتماعی را به دست آورند. افت شدید تحصیلی و عدم توانایی دانش آموزان در یادگیری به یک بررسی جامع و کامل در جامعه نیاز دارد. اما تنبلی یا نداشتن شوق یادگیری را نمی توان تنها دلایل این عقب افتادگی تحصیلی دانست. گاه با پرداختن به روش انتقال پیام توسط ابزار تاثیرگذاری مانند هنر می توان گره گشای درصد زیادی از این مشکل بود. کلاسهای آموزشی مدارس باید با توجه به شیوه های متعدد ابزارها، پاسخگویی ها، تعاملات، محیطی برای خلق استعدادهای هنری عقلانی تلقی کرده و نگرش های گسترده و توان آنها را مورد ارزیابی قرار دهند و از آنان برای درک و شناخت واقعیت و ایجاد



یک روش یادگیری استفاده نمایند. برنامه ریزان و طراحان درسی باید به دنبال برنامه هایی برای پیشبرد و توسعه داشته باشند. برنامه هایی که آموزش را جذاب، لذت بخش و تاثیر گذارتر سازد و با دیدن آثار آنان، دانش آموزان از تجربیات بدست آمده قانع نباشند برای کسب تجربیات نوین و تازه تر ترغیب گردند. این امر زمانی تحقق می یابد که ما هنر را در تمام امورات آموزشی ترکیب نماییم. در پایان می توان چنین بیان کرد که آموزش اجتماعی، فرهنگی و درسی دانش آموزان با استفاده از هنر به گونه ای گیراتر و تاثیر پذیرتر می گردد.

Archive of SID

منابع و مأخذ

۱. امینی ، محمد(۱۳۸۳) ، *تربیت هنری در قلمرو آموزش و پرورش* ، تهران ، انتشارات آبیژ.
۲. جان لنکستر، (۱۳۷۳). *هنر در مدرسه* ، ترجمه ی سید عباس زاده، میر محمد، تهران: انتشارات مدرسه.

۳. خوی نژاد، غلامرضا (۱۳۸۷)، *برنامه درسی به سوی هویت های جدید*، تهران، انتشارات آبیژ.
۴. رادپور، فاطمه، شاپوریان، فریبا، شریف زاده، سید عبدالمجید، مرزبان، هادی، مهدوی، رضا، نواب صفوی، مینا (۱۳۹۲)، *راهنمای درس هنر*، اداره ی کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی.
۵. راووداد، اعظم (۱۳۸۷)؛ *عقل و عاطفه در هنر؛ فرهنگستان هنر (سخنرانی)*؛ تهران، روزنامه ایران، اردیبهشت ماه.
۶. رضایی، منیژه (۱۳۸۸) *تدوین الگوی نظری تربیت زیبا شناسی و هنری در تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران*: تهران وزارت آموزش و پرورش، طرح پژوهشی پژوهشکده تعلیم و تربیت
۷. رضایی، منیژه (۱۳۹۲)، *تربیت هنری در نظام آموزشی ایران*، مطالعات فرهنگ _ ارتباطات، شماره ۲۲
۸. سپهر، نصرت الله (۱۳۷۵)، *هنر برای کودک*، کرمانشاه، انتشارات طاق بستان.
۹. شرفی، حسن (۱۳۸۴) *مقاله آموزش هنر متناسب با فعالیت های زیباشناسانه، تولید هنری و مفاهیم وابسته*، مربی گروه پژوهشی برنامه درسی و روش های تدریس، پژوهشکده تعلیم و تربیت، تهران.
۱۰. غفاری، افسانه (۱۳۶۴)، *آموزش و هنر و نقش آن در رشد خلاقیت دانش آموزان*، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
۱۱. محمد پور، آیت الله (۱۳۸۲). *آموزش هنر در مدارس دوره ی ابتدایی*. تهران: مؤسسه فرهنگی منادی تربیت
۱۲. میرزابیگی، علی، نقش هنر در آموزش و پرورش، انتشارات مدرسه، تهران، ۱۳۷۰
۱۳. مهر محمدی، محمود (۱۳۸۲)، *سازگاری رویکرد تلفیقی با نظریه ساخت گرای، مجموعه مقالات - رویکرد تلفیقی به برنامه درسی - به کوشش دکتر حسن ملکی*، انتشارات اولیا و مربیان، تهران
۱۴. مهر محمدی، محمود (۱۳۸۳): *چیستی، چرایی و چگونگی آموزش عمومی هنر*، تهران: انتشارات مدرسه.